

به نام خدا

درس هشتم
دفاع از میهن

صافی - قیاسوند



معنی درس



چو ایران نباشد، تن من مباد بدین بوم و بر، زنده یک تن مباد

وقتی ایران وجود نداشته باشد وجود و تن من نیز نباشد و در زمان نبودن ایران حتی یک تن نیز در این سرزمین زنده نباشد.

در میان این همه شکوه و جلال، ناگاه تاخت و تازی سهمگین از سوی باختر، آغاز گشت.

در میان این همه بزرگی و شکوه، ناگهان حمله‌ای ترس‌آور و خوفناک از سوی مغرب (مقدونیّه) آغاز شد.

وقتی که اسکندر آهنگ ایران کرد / هر جا که شهری دید / با خاک، یکسان کرد.

وقتی که اسکندر مقدونی قصد حمله به ایران را کرد در سر راهش هر جا که شهری را دید آنجا را به‌طور کامل نابود کرد.



اسب سردار با یال فرریخته و دم برافراشته، پیش از اسب‌های دیگر، سوار خود را به بالا می‌کشد.

اسب آریو برزن، سردار و فرماندهی ایرانی، با موی گردن فروریخته‌اش و دم بالابرده‌اش جلوتر از اسب‌های دیگر، سوار خود را به بالا می‌کشد و پیش می‌برد.

من، آریو برزن / فرزند ایرانم / در آخرین سنگر / اینک تنم، جانم

من، آریو برزن، سردار ایرانی و فرزند میهن عزیزم ایران هستم که در آخرین قسمت میدان جنگ قرار گرفته‌ام اکنون این تن و جان من که برای فدا کردن در راه ایران آماده است.



آیا باید تسلیم شد و چیرگی دشمن را بر خاتمان دید و خواری و خفت را به جان خرید یا جنگید و خاک وطن را از خون خود گلگون کرد؟

آیا باید در مقابل دشمن تسلیم شد و برتری او را بر کشور دید و تحقیر و کوچک شدن با همه‌ی وجود را پذیرفت، یا با دشمن جنگید و با جان‌فشانی و خون خود، خاک وطن را سرخ رنگ نمود.

آریو برزن با شمار اندکی از سپاهیان خود، به سپاه عظیم دشمن، یورش برد. گروهی بسیار از آنان را به خاک افکند.

آریو برزن با تعداد اندکی از سپاهیانش به سپاه بزرگ دشمن حمله کرد و بسیاری از آنان را کشت.

مباد: نباشد

بدین: به این

بوم و بر: سرزمین

سلسله: پادشاهی

هخامنشی: یکی از سلسله های ایرانی

تاسیس کرد: بنا کرد

به شمار می رفت: به حساب آمد

خیره کننده: جالب

جلال: عظمت

تاخت و تاز: حمله و هجوم

انبوه: بسیار

هجوم: حمله

با خاک یکسان کرد: همه چیز را نابود کرد

به نومیدی گرایید: دلسرد شد

آهنگ ایران کرد: تصمیم گرفت به ایران حمله کند

پارس: فارس

چابک: چالاک

پال: موی گردن شیر و اسب

گویی: انگار

ناگوار: ناپسند

غرق اندوه شد: بسیار غمگین شد

سپاه عظیم: لشکر بزرگ

مانع: بازدارنده

خرد: کوچک

ناگوار: ناپسند

اوضاع: شرایط وضعیت

چیرگی: برتری و تسلط

خانمان: خانه و کاشانه

گلگون: سرخ شده به رنگ خون

پیکار: جنگ

ایستادگی: مقاومت

مقدونیه: نام شهری در یونان زادگاه اسکندر

واژگان مخالف

نیرومند # ضعیف

باختر # خاور

انبوه # کم

امید # ناامیدی

اسیر # آزاد

دشمن # دوست

دلیر # ترسو

زودتر # دیرتر

واژگان هم خانواده

هجوم: مهاجم، تهاجم

شدت: شدید

مانع: موانع، منع

اوضاع: وضع

پایان

